

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما چه وظیفه‌ای داریم؟

در هر شرایطی، وظیفه‌ای به عهده‌ی انسان است.
در شرایطی که سرنوشت انقلاب اسلامی، هویت ملت و استقلال کشور در خطر قرار می‌گیرد، چه باید کرد؟

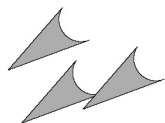
در شرایطی که تمامی قدرتهای جهانی و منطقه‌ای به دنبال محو انقلاب و استحاله‌ی آن بودند. و ابرقدرتی چون آمریکا و صهیونیسم به دنبال خشک کردن ریشه‌ی ملت بودند. و می‌خواستند دوباره این ملت را تحقیر کنند، هویتش را انکار کنند، استعدادهایش را سرکوب کنند و ذخایرش را چپاول کنند، رزمندگان دانستند که زندگی، درس، شغل، رفاه، آینده و رشدشان بستگی به ایستادگی در برابر صف فشرده‌ی دشمنان دارد.

رزمندگان دانستند که باید آرمانهای انقلاب و خواستههای ملت را حفظ کنند. آنان خود را در برابر خداوند، ولی خدا و ملت مسؤول دیدند. وظیفه‌ی خود دانستند که مخلصانه و عاشقانه در برابر دشمنان بایستند و از هویت و ایمان ملت دفاع کنند و چه خوب به این تعهد و تکلیف خود عمل کردند. به شهادت تاریخ، همه‌ی موجودی خود و جانشان را تقدیم کردند و خدا نصرتش را شامل آنان گرداند.
آیا امروز از دشمنی مستکبرین جهانی، صهیونیسم بین‌المللی و مرتجعین منطقه‌ای، کاسته شده است؟

آیا وابستگان داخلی اعم از فریب‌خوردگان و دلبستگان به دشمن، از کینه‌ورزی و عناد دست برداشته‌اند؟

در این پیکاری که حیلها و ابزارها و عواملش متنوع‌تر و افزون‌تر شده و تنها شکل آن عوض شده است، ما چه وظیفه‌ای داریم؟
آیا راه برخی از راحت‌طلبان و خودخواهان دوران مقدس را انتخاب می‌کنیم که حتی از دور هم دستی بر آتش نداشتند؟

راحت و مقام و پول و عیش خود را دیدند و دیگر هیچ؟
یا راه رزمندگان را می‌رویم و در برابر هویت دینی، شخصیت انسانی و فرهنگ ملی، احساس مسؤولیت می‌کنیم و از خود و منافع خود می‌گذریم؟
مگر زنده نگهداشتن یا دو راه شهیدان، غیر از این انتخاب و احساس وظیفه در قبال آن است؟



سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۲۳)

انجام تکلیف

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۲۳)

انجام تکلیف

گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۱ □ تیراژ: ۵۰۰۰ جلد □ حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: نیما □ چاپ: صاحب کوثر □ صحافی: فرازاندیش سبز

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

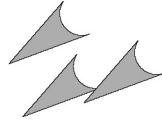
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۱۴-۵ ISBN :978-964-495-114-5

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۹۵-۷ ISBN :978-964-495-095-7

تلفن ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸ نمابر ۶۶۴۶۷۳۹۴

WWW.ghadr110.ir

قیمت ۷۰۰۰ تومان



فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۱	اگر تنهای تنها هم باشم
۲۳	رضایت خدا مهم است
۲۸	عملیات ۱۵ نفره
۲۹	یکسال به مرخصی نرفت
۳۰	از جبهه جدا نمی شد
۳۱	همسرش را به جای خود به مکه فرستاد
۳۳	وقتی که اسلام در برابر کفر است
۳۴	نیاز جبهه
۳۵	عمل به تکلیف الهی
۳۶	تکلیف نمی گذارد
۳۷	باید پاسدار اسلام باشیم
۳۸	ما مرد جنگیم
۳۹	مأموریتش را تمدید کرد

- ۴۰ مگر تهران نرفته بودی؟
- ۴۱ چرا جنگ را مسأله‌ی اصلی نمی‌داند؟
- ۴۳ من معبر را برای عملیات باز می‌کنم.....
- ۴۶ ملاک عمل.....
- ۴۷ تکلیف ماندن در کردستان.....
- ۵۰ وظیفه‌ی ما چیست؟.....
- ۵۱ نفر نود و هفتم!.....
- ۵۴ دنیا را به دنیا دارها می‌بخشم.....
- ۵۵ باید بجنگیم برای اسلام.....
- ۵۶ تکلیف، مقاومت است.....
- ۵۸ حرفش انجام تکلیف بود.....
- ۵۹ انتخاب از بین دو راه.....
- ۶۰ راز تحویل عکس!.....
- ۶۱ با جنگ که در رأس است، چه کنم؟.....
- ۶۲ اطاعت از مافوق.....
- ۶۴ راه خدا را انتخاب کن.....
- ۶۶ نگران عملیات بود.....
- ۶۸ دیدار دیر به دیر.....
- ۶۹ مدرسه و درس در جبهه است.....
- ۷۱ تا پایان جنگ.....
- ۷۵ من هم وظیفه‌ای دارم.....
- ۷۸ سه روز لب به آب و غذا نزد.....
- ۸۰ تأمین نیرو.....
- ۸۲ پذیرش مسؤولیت‌های حساس.....

- ۸۵ بگذارید به تکلیف خودم عمل کنم
- ۸۹ مانندم مفیدتر است
- ۹۱ شما جواب امام زمان (عج) را می‌دهید؟
- ۹۴ مرخصی بدون حقوق!
- ۹۶ در برابر اسلام و خون شهدا مسؤول هستم
- ۹۸ چریک خمینی، هرگز خسته نمی‌شود
- ۱۰۰ پارچه‌ی کفن
- ۱۰۲ فرار از جنگ؟
- ۱۰۳ امتیازی قائل نشد
- ۱۰۴ پیروزی و شکست با ما نیست
- ۱۰۷ شرمنده‌ی مردم
- ۱۰۸ برگه‌ی اعزام
- ۱۱۰ امروز به من نیاز دارند
- ۱۱۱ عمل به آخرین وظیفه
- ۱۱۴ باید بروم
- ۱۱۵ مسابقه برای انتخاب
- ۱۱۶ نمی‌توانم لشکر را رها کنم
- ۱۱۷ بمانم یا بروم؟
- ۱۲۰ آمده‌ام تا خونم را نثار کنم
- ۱۲۱ قابلی ندارد
- ۱۲۲ التماس می‌کرد
- ۱۲۴ آب را ننوشید
- ۱۲۵ به من اجازه‌ی یاری می‌دهی؟
- ۱۲۷ برای دادن سر آمده‌ام!

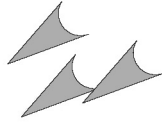
- ۱۲۸ پاسخ یک سؤال
- ۱۲۹ مأمور به تکلیف
- ۱۳۳ تکلیف خودش را انجام می‌داد
- ۱۳۵ فردا پشیمانی سودی ندارد
- ۱۴۲ به لباس روحانیت علاقمندم
- ۱۴۳ جنگاور
- ۱۴۵ برگه‌ی رأی‌گیری
- ۱۴۶ محل استراحت
- ۱۴۷ تا آخرین نفس
- ۱۴۸ کار واجب‌تر
- ۱۴۹ من می‌خواهم بروم
- ۱۵۰ واجب کفایی
- ۱۵۱ دلگرم
- ۱۵۳ فوراً اجابت کرد
- ۱۵۴ حرف و راه امام
- ۱۵۵ ارزش مأموریت بیشتر است
- ۱۵۶ فردای قیامت
- ۱۵۷ مهم، عمل به وظیفه‌ی شرعی است
- ۱۵۸ حکمت خداوند
- ۱۶۰ دفاع از اسلام تا پای جان
- ۱۶۱ به حرف تو گوش بدهم یا حرف امام حسین علیه السلام
- ۱۶۲ شرط ازدواج
- ۱۶۳ اصل انجام تکلیف
- ۱۶۵ برکت وصیتنامه

- ماندن برایش ننگ بود..... ۱۶۷
- مصلحت نیست که این زمزمه خاموش شود..... ۱۶۸
- سنگر من، حجله‌ی من است..... ۱۶۹
- جواب خدا را چه بگویم؟..... ۱۷۱
- می ترسم سست شوم..... ۱۷۲
- خدا نکند مثل آنها باشم..... ۱۷۳
- از عملیات دست برنندار..... ۱۷۴
- پاسداری فردا با شماست..... ۱۷۵
- ماشین کرایه کردم آمدم!..... ۱۷۶
- گروهان یتیم می شود!..... ۱۷۷
- کجا را دارم که بروم؟..... ۱۷۸
- فرزند بیمار..... ۱۸۰
- برای روی مین که خویم!..... ۱۸۱
- چه فرقی می کند؟..... ۱۸۲
- پای فرمانده را هدف قرار داد..... ۱۸۴
- مرا شرمنده کرد..... ۱۸۵
- استخاره..... ۱۸۸
- سراپا اطاعت..... ۱۹۰
- رسیدن به هدف مهم تر است..... ۱۹۴
- اسلام عزیزتر از همه چیز است..... ۱۹۶
- دفاع از میهن و دین، دلگرمی من است..... ۲۰۰
- هدف من..... ۲۰۲
- حالا وظیفه‌ی دیگری داریم..... ۲۰۴
- ببین تکلیف کجاست؟..... ۲۰۶

- ۲۱۷ سکوت علامت رضاست
- ۲۱۸ تلاش برای اجازه‌ی مادر
- ۲۲۰ جوانیم را فدایت می‌کنم.....
- ۲۲۱ حمایت از دین تا آخر
- ۲۲۲ قیچی
- ۲۲۴ عمل به وصیت شهدا
- ۲۲۶ این عملیات، یک تکلیف است.....
- ۲۲۹ شرط اول پذیرش مسؤولیت.....
- ۲۳۱ انگیزه‌ی به جبهه آمدن.....
- ۲۳۲ می‌ترسم حضورم در جبهه کمرنگ شود.....
- ۲۳۳ عاطفه‌ی پدری.....
- ۲۳۴ آنها را به خدا می‌سپارم.....
- ۲۳۵ جبهه اولی‌تر از مدرسه و درس.....
- ۲۳۶ طاقتِ ماندن ندارم.....
- ۲۳۸ برای درس خواندن فرصت زیاد است.....
- ۲۳۹ استعفا برای رفتن به جبهه.....
- ۲۴۰ امکان ندارد.....
- ۲۴۱ مگر ما از پیغمبر بالاتر هستیم؟.....
- ۲۴۳ فقط گفت: چشم.....
- ۲۴۵ پس کو حاج آقا؟.....
- ۲۴۷ با این وضعیت کجا می‌روی؟.....
- ۲۴۸ سه ماه بیش‌تر طاقت نیاورد!.....
- ۲۴۹ می‌خواهمت بعد از خدا.....
- ۲۵۱ من وظیفه‌ام را انجام داده‌ام.....

- ۲۵۳ مواظب باش خودت را گم نکنی
- ۲۵۴ بدون هیچ تردیدی رفت!
- ۲۵۵ ما مکلفیم فرمان امام را اجرا کنیم
- ۲۵۶ شما توکلتنان را از دست داده‌اید
- ۲۵۸ انجام تکلیف الهی در هر موقعیت
- ۲۵۹ چرا برگشتی؟
- ۲۶۰ خدا را بیش تر دوست دارم
- ۲۶۲ فقط به انجام وظیفه فکر می‌کرد
- ۲۶۳ آنچه به نیروهای تحت امر خود می‌گفت
- ۲۶۴ امروز قرآن و اسلام احتیاج به خون دارند
- ۲۶۵ مبدا فردا تأسف بخوریم
- ۲۶۷ از باب تجربه عرض کردم
- ۲۶۹ وقتی کمرمان شکست، دیگر تکلیف نداریم
- ۲۷۰ اطاعت از فرماندهان
- ۲۷۱ تکلیف ما، اطاعت است
- ۲۷۲ تابع ولایت و دستوریم
- ۲۷۳ منابع





پیشگفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده. لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به «صراط‌الذین انعمت علیهم» که مصداق واقعی آن ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِقَّةٍ وَسِدَادٍ.**

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵).

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا

گذاشتن بر روی کفش طلاّب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح اللّهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم باهم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با غیرالسنه به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدّس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر بود:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سال‌های گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز به فروش رفته است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از ابتدای سال ۱۳۸۷ ابتدا پیرامون این طرح مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به

۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- حتماً خاطره باشد ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که بدلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناده شده بود از دور خارج شد. و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشت و یا در خصوص شهدا نبود.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شد. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.

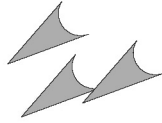
از آن رو که گاه مواجهه‌ی مخاطب با اثر حجیم، او را از نعمت کتاب و کتابخوانی محروم می‌کند، در صدد برآمدیم برای این دسته از مخاطبان نیز چاره‌اندیشی کنیم. لذا خاطرات اهم را از خاطرات

مهم جدا کرده و در قالبی کوچک تر و کم حجم تر تحت عنوان «رسم خوبان» به زیور نشر آراستیم تا فرصت های کوتاه و به ظاهر از دست رفته ی شهروندان با نعمت مطالعه پربرکت شود.

در پایان ضمن سپاس از حسن انتخاب شما خواننده ی گرامی، امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





مقدمه

این جمله‌ی معروف حضرت امام خمینی(ره)، هنوز در گوش همه‌ی مردم
طنین انداز است که:

ما مأمور به ادای تکلیفیم نه نتیجه

مفهوم بسیار عمیق این جمله، در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، آشکار گردید و به
بار نشست. رزمندگان مؤمن و سلحشور تمام نگاه خود را به شناخت وظیفه و تکلیف
خود، معطوف داشتند و آنگاه در جهت عمل به آن تمامی تلاش و تدبیر و همت خود را
بکار گرفتند.

نمی‌گفتند: امروز تابستان است و هوا گرم، بمانیم تا وقت مساعد.
نمی‌گفتند: الآن فصل تحصیل و درس است، صبر کنیم بعد از اتمام درس به جبهه
برویم.

نمی‌گفتند: تازه ازدواج کرده‌ایم، زن و بچه‌امان به وجود ما نیازمندند. پدر و
مادرمان پشت و پناه می‌خواهند.

نمی‌گفتند: یک برادر، دو برادر، سه برادرمان در جبهه هستند، ما بمانیم.
نمی‌گفتند: ما مجروح شده‌ایم، یک پا، یک دست، یک یا دو چشم در راه خدا
داده‌ایم، دیگر بس است.

آنها همیشه و همواره خود را مدیون اسلام و انقلاب و امام و مردم می‌دانستند. آنها
در هر وضعیتی، جبهه و دفاع از نظام اسلامی را برترین تکلیف و وظیفه می‌دانستند. آنان

متعهد بودند به حضور در جبهه و دفاع از جمهوری اسلامی و اجرای فرامین امام و برای این کار، سر را آماده کرده بودند.

این تکلیف‌گرایی در خانواده‌ها هم، رسوخ داشت. پدران و مادران و همسران، نمی‌گفتند: خیلی‌ها جبهه نرفته‌اند، چرا بچه‌های ما و همسر ما جبهه بروند؟ نمی‌گفتند، یکی دو تا در جبهه داریم، این یکی را نگهداریم تا عصای دستمان شود. می‌گفتند: هر چه داریم فدای امام، فدای اسلام، افتخار می‌کنیم که فرزندانمان، همسرانمان را در راه خدا تقدیم کنیم. آفرین بر این جانهای گداخته از شور و عشق الهی، اینان هم مفهوم عمیق «تکلیف‌گرایی» و «عمل به وظیفه» را یافتند و هم در شناخت «تکلیف» و «وظیفه» با بصیرت کامل و صبر تمام، موفق بودند. عَلم تکلیف و وظیفه را اهل بصیرت و صبر می‌توانند بر دوش بکشند.

ولا يحمل هذا العلم الا بالصبر والبصر

آنان منطقتشان، همان منطق قرآن بود که ما هرآنچه داریم در طبق اخلاص می‌نهیم و تقدیم دوست می‌کنیم و یکی از دو دستاورد نصیب ما می‌شود: یا شهادت یا پیروزی، که هر دوی اینها پیروزی است. چرا که پیروزی در شناخت تکلیف و عمل درست به آن وظیفه است. و رزمندگان به این درجه از بصیرت رسیدند. خاطره‌ها در این زمینه بسیار است. هر رزمنده‌ای که قدم به جبهه نهاد، تکلیف خود را شناخت و ادا کرد. هر پدر و مادری که به فرزندش اذن داد تا در جبهه‌ی دفاع از اسلام حاضر شود، تکلیف خود را بخوبی ادا نمود. هر همسری که نبود شوهر و دشواریهای آن را پذیرفت تا همسرش با خیال آسوده در جبهه حاضر شود و با دشمن خدا و مردم بجنگد، وظیفه‌ی خود را بنحو احسن انجام داد. با این وجود، گلچینی کردیم از این خاطره‌ها، از صحنه‌هایی که این ادای دین و وظیفه بسیار درخشان بود. یعنی آنجا که رزمنده در برابر دو امر قرار می‌گرفت و آنچه را برمی‌گزید که با اهداف دفاع مقدس و اوامر امام خمینی (ره)، مطابقت داشت. روی علائق دیگر پا می‌گذاشت و خواست و رضایت خدا را انتخاب می‌کرد. با هم این خاطره‌ها را می‌خوانیم و یاد می‌گیریم تکلیف‌گرایی و ادای وظیفه را، و چقدر این روزها به این فراگیری و عمل به آنها نیازمندیم.